

پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت در خانواده در زنان شاغل

علی حسینی^۱محمد کاویانی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت در خانواده در زنان شاغل شهر شاهرود بود. در این پژوهش توصیفی-همبستگی، کلیه زنان شاغل شهر شاهرود به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند که از میان آن‌ها با استفاده از جدول رجسی و مورگان تعداد ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و پرسشنامه‌های استاندارد سبک‌های تصمیم‌گیری اسکات و بروس، ساختار قدرت مهدوی و صبوری خسروشاهی و طلاق عاطفی گاتمن را تکمیل نمودند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های خام با استفاده از رگرسیون تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت در خانواده ۴۱ درصد واریانس طلاق عاطفی را تبیین می‌کنند. سبک‌های تصمیم‌گیری آنی، شهودی و اجتنابی در پیش‌بینی کننده‌های طلاق عاطفی نقش معنادار دارند. همچنین، «ساخت روابط قدرت» و «حوزه‌ها و قلمرو اعمال قدرت» توانایی پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند. با توجه به اینکه سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت در خانواده، طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند، می‌توان با آموزش تصمیم‌گیری و اصلاح ساختار قدرت به کاهش طلاق عاطفی در زنان شاغل شهر شاهرود کمک کرد.

واژگان کلیدی: سبک‌های تصمیم‌گیری، ساختار قدرت، طلاق عاطفی

^۱ گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، گلستان، ایران

^۲ گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱

مقدمه و بیان مسئله

طلاق یکی از پیامدهای ناگوار و تلخ زندگی است که در سالهای اخیر افزایش آمار روزافزون طلاق آن را به یک روند و معضل مهم اجتماعی تبدیل کرده است (الیسون، واکر، گلن و مارکوآرت^۱، ۲۰۱۱). طلاق، فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (موسایی، توسلی و مهرآرا، ۲۰۱۱). کلانتری، روشنفکر و جواهری (۱۳۹۰) در فراتحلیلی از آثار و پیامدهای طلاق نشان دادند که نه تنها طلاق می‌تواند باعث صدمه به سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه شود، بلکه مانع نقش‌آفرینی زنان در فرآیند توسعه و در نتیجه به حاشیه راندن و استثمار زنان می‌گردد. از طرف دیگر تجربه طلاق، سازگاری زوجین و فرزندان آن‌ها را در تمام ابعاد روان‌شناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌گردد (پرتز، اسمیت و براون^۲، ۲۰۰۰)؛ بنابراین، پژوهش و تحقیق در مورد آن اهمیت فراوانی دارد.

طلاق به یک‌باره به وجود نمی‌آید، بلکه به تدریج و طی مراحل شکل می‌گیرد. پل بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرآیند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی می‌داند که رو به زوال می‌رود (گیدنز^۳، ۱۳۸۷). طلاق عاطفی، نوعی ناهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوجین منجر نمی‌شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در یک محیط و زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما زندگی آن‌ها به ازدواجی پوچ تبدیل شده و فاقد عشق، مصاحبت و دوستی می‌باشد (لعل زاده کندکلی، اصغری ابراهیم آباد و حصارسرخی، ۲۰۱۵).

مطابق نظریه پارسونز^۴، خانواده دارای دو کارکرد اساسی می‌باشد که عبارتند از کارکرد اجتماعی کودکان و کارکرد شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسالان. وی معتقد است که این دو کارکرد، هنگامی محقق می‌شود که در میان اعضای خانواده، روابط صمیمی و محبت‌آمیز برقرار باشد (اعزازی، ۱۳۸۹). در همین راستا، جورج هولمز^۵ «نظریه منابع» را مطرح کرده است. مطابق این نظریه، در یک رابطه، زن و مرد، هر یک سرمایه‌ای از قبیل تحصیلات، شغل، قدرت مالی و...

¹ Ellison, Walker, Glenn & Marquardt

² Portes, Smith & Brown

³ Giddens

⁴ Parson

⁵ George Holmes



دارند. وجود عدم تناسب‌ها و ناهمگونی در این دارایی‌ها و منابع، سبب ایجاد تعارض‌های هویدا و نهان در میان زوجین می‌گردد. لذا چنین تضادهایی، اصول و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین برده و زمینه را برای بروز طلاق عاطفی فراهم می‌کند (منصوریان و فخرایی، ۱۳۸۶).

آمار و اطلاعاتی که تاکنون در زمینه طلاق منتشر شده است، تنها نشان‌دهنده میزان طلاق رسمی در کشور می‌باشد اما تاکنون آمار معتبر و رسمی در رابطه با نوع دیگری از طلاق به نام «طلاق عاطفی» منتشر نشده است. باوجوداین، مطالعاتی که تاکنون در زمینه طلاق عاطفی به مرحله اجرا درآمده‌اند، نشان می‌دهد که در قرن نوزدهم میلادی، کمتر از ۵ درصد از ازدواج‌ها به طلاق عاطفی و متعاقب آن طلاق رسمی می‌انجامید اما در قرن حاضر، تقریباً ۵۰ درصد از ازدواج‌ها به طلاق (عاطفی و رسمی) ختم می‌شود (پروین، داودی و محمدی، ۱۳۹۱) و این واقعیت، اهمیت موضوع طلاق عاطفی را نشان می‌دهد.

پژوهشگران عوامل مختلفی از جمله افزایش استقلال اقتصادی زنان، کاهش درآمد مردان بدون تحصیلات دانشگاهی، بالارفتن انتظارات زوجین از یکدیگر و عادی جلوه کردن طلاق عاطفی در میان زوجین را از مهم‌ترین عوامل دخیل در بروز این نوع طلاق می‌دانند (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). شاید بتوان گفت استقلال اقتصادی زنان ناشی از اشتغال آنان است. اشتغال زنان در چند دهه گذشته و به‌ویژه در جامعه شهری بسیاری از کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اغلب شهرهای بزرگ ایران همگام با دسترسی بیشتر زنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) گرایش آنان به اشتغال چشمگیر بوده است؛ اما اشتغال زنان مسائل حادی در زندگی زناشویی به وجود آورده است (ساروخانی و گودرزی، ۱۳۸۸). یکی از این مسائل می‌تواند طلاق عاطفی باشد.

با وجود اینکه مطالعاتی به طلاق عاطفی و عوامل آن پرداخته‌اند، اما مطالعات به نقش ویژگی‌های روابط بین اعضای خانواده و ویژگی‌های و توانایی‌های زوجین در طلاق عاطفی کمتر پرداخته‌اند. یکی از عوامل رابطه‌ای خانواده که به‌صورت بالقوه می‌تواند منجر به بروز طلاق عاطفی در میان زوجین شود، «ساختار قدرت در خانواده» می‌باشد. در گذشته، به دلیل قدرت کمتر زنان نسبت به زنان و محروم بودن زنان از برخی حقوق، قوانین از پیش تعیین‌شده‌ای در مورد وظایف هر یک از زوجین و انجام کارهای روزمره در زندگی زناشویی وجود داشت؛ اما با پیشرفت جوامع و گسترش شهرنشینی، ورود زنان بیشتر به اجتماع و مشارکت و کنترل آن‌ها بر

اقتصاد خانواده، از جمله مواردی است که ساختار خانواده و نحوه توزیع قدرت در خانواده را به میزان بسیار زیادی تحت تأثیر قرار داده است (اسپری، کارلسون و لوئیس^۱، ۱۳۷۸). پارسونز در نظریه خود بر دو عنصر مهم از جمله «تفکیک بر مبنای جنسیت» و «تفکیک بر مبنای سن» جهت تشکیل خانواده، تأکید می‌کند. وی معتقد است در صورتی که زوجها با هنجارهای اجتماعی سازگار شوند، میزان تعارض میان آنها به حداقل خواهد رسید و می‌توانند وظایف خود را در قبال یکدیگر به بهترین نحو ایفا کنند. بر اساس نظر وی بزرگسالان نسبت به خردسالان، تأثیر بیشتری بر امور خانواده می‌گذارند؛ اما اصلی‌ترین وجه تمایز، تفکیک ابزاری و احساسی-عاطفی است که کارکرد مؤثری برای خانواده دارد. در این زمینه، پارسونز برای زن، نقش رهبری عاطفی و برای مرد، نقش رهبری اجرایی یا ابزاری قائل است. شوهر رهبر اصلی و زن، وظیفه حفظ وحدت و انسجام رابطه و خانواده را بر عهده دارد (زارعی توپخانه، جان بزرگی و احمدی محمدآبادی، ۱۳۹۲).

نظریه مهم دیگر در این زمینه، نظریه مبادله پیتر بلا^۲ می‌باشد. بلا در این نظریه ابراز داشت که هر چه میزان نابرابری در منابع تولید بیشتر باشد، میزان تمایز و تفاوت قدرت در میان کنشگران نیز بیشتر می‌گردد. از نظر وی، ارائه خدمات با ارزش یک‌سویه منجر به عدم توازن می‌گردد که نتیجه آن ایجاد قدرت می‌باشد. دیدگاه ویتن^۳ (۱۹۹۴) در این زمینه به نقش جامعه‌پذیری اشاره می‌نماید. اساس این نظریه بر این اصل استوار است که انتظارات و نقش‌های جنسیتی، از قالب و شکل‌گیری جامعه تأثیر می‌پذیرد و معتقد است که همواره در تفکر قالب جامعه، زنان دارای نقش حاشیه‌ای و منفعل بوده اما مردان فعال و مستقل متصور می‌شوند. اساس و پایه این نظریه، بر مبنای نظریه‌های تعامل‌گرایی و تشکیل شخصیت افراد شکل گرفته است (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲).

در کشور ایران نیز به خصوص در دهه‌های اخیر، گسترش شهرنشینی، ایجاد حقوق برابر برای تحصیل پسران و دختران، رشد روابط اجتماعی و پیروان آشنایی با تغییرات پایه‌ای در جوامع دیگر، خانواده‌ها را دچار تغییرات اساسی و بنیادی نمود. تا چند دهه گذشته، در خانواده‌های ایرانی، پدر خانواده به‌عنوان رئیس و اختیاردار تمام امور خانواده بود و قدرت منحصرأ در اختیار

¹ Spray, Carlson & Lewis

² Piter Bella

³ Weiten



وی بود اما به واسطه ورود نوسازی به کشور، این‌گونه روابط و ساختار قدرت در خانواده ایرانی نیز (به مانند غرب) تغییر نمود (قندهاری و حسن‌زاده، ۱۳۸۲).

یکی از عوامل شخصیتی که ممکن است با طلاق عاطفی مرتبط باشد، سبک‌های تصمیم‌گیری در خانواده است. سبک تصمیم‌گیری در واقع نشان‌دهنده علت تفاوت در تصمیم‌گیری‌های افراد در مواجهه با موقعیت‌های یکسان می‌باشد. به عبارت دیگر سبک‌های تصمیم‌گیری، روش‌هایی است که افراد در هنگام تکلیف‌های تصمیم‌گیری به کار می‌بندند (کریمیان، ۱۳۹۱). وبر و جانسون^۱ (۲۰۰۹) طی نظریه خود بیان نمودند که عوامل روان‌شناختی مختلفی در فرآیند انتخاب و تصمیم‌گیری افراد نقش دارند. همچنین مطابق نظریه اپلت، میلچ، هندگراف^۲ و وبر (۲۰۱۱) تصمیماتی که هر فرد اتخاذ می‌کند، متأثر از ویژگی‌های تصمیم، عوامل موقعیتی و تفاوت‌های فردی می‌باشد (صفاری نیا، محمدی و حسن‌زاده پشنگ، ۱۳۹۴). از جمله نظریه‌های مهم دیگر در زمینه تصمیم‌گیری، می‌توان به رویکرد تصمیم‌گیری هارن اشاره نمود که دارای سه سبک منطقی^۳ (تصمیم‌گیری بر اساس منطق)، وابسته^۴ (تصمیم‌گیری بر اساس عقاید و انتظارات دیگران) و شهودی^۵ (تصمیم‌گیری بر اساس احساسات و هیجانات) می‌باشد. فیلیپس، پازینزا و فرین^۶ (۱۹۸۴) سبک اجتنابی^۷ (تمایل با اجتناب یا به تعویق انداختن تصمیم‌گیری) را به الگوی هارن افزودند. از سوی دیگر پژوهشگرانی از جمله راو و ماسون^۸ (۱۹۸۷) مطابق با میزان اغماض ادراکی و سوگیری ارزشی، چهار سبک تصمیم‌گیری رفتاری (معاشرتی و دوستانه)، ادراکی (حساس، سازگار و انعطاف‌پذیر)، تحلیلی (هوشمندانه و کنترل‌شده) و مستقیم (عملی، مقتدرانه و قدرتمند) را پیشنهاد کردند (تابش و زارع، ۱۳۹۰). در نهایت نیز اسکات و بروس در نظریه خود ابراز داشتند که تأثیرگذارترین عامل در بروز سبک تصمیم‌گیری افراد، تفاوت‌های فردی و درونی آن‌هاست و براین اساس سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری شامل سبک تصمیم‌گیری آنی، سبک

¹ Weber & Johnson

² Appelt, Milch & Handgraaf

³ Rational

⁴ Dependent

⁵ Intuitive

⁶ Phillips, Paziienza & Ferrin

⁷ Evoidant

⁸ Rowe & Mason

تصمیم‌گیری اجتنابی، سبک تصمیم‌گیری عقلانی، سبک تصمیم‌گیری شهودی، سبک تصمیم‌گیری وابستگی را معرفی نمودند (اکبری و زارع، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های مختلفی در خصوص سبک تصمیم‌گیری، ساختار قدرت در خانواده و طلاق عاطفی انجام شده است. از جمله رئیسی، محمدی، زارعی و نجارپوریان (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که مداخلات درمان هیجان‌مدار و تصمیم‌گیری مجدد در تغییر سبک‌های ارتباطی زنان متأهل تأثیر معنادار دارد و این دو درمان با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند. در پژوهشی دیگر رضایی، میرزاده کوهشاهی و یعقوبی ترکی (۱۳۹۶) دریافتند که هفت گروه مشکلات شامل تغییر وضعیت پذیرش بدون قید و شرط اولیه به پذیرش توأم با قید و شرط فراوان، ازدواج اجباری و بدون عشق و علاقه، فقدان دوره نامزدی و آشنایی اولیه، عدم اختصاص زمان کافی برای ابراز علاقه و محبت به خانواده، تعاملات اجتماعی ضعیف، لج و لجاجتی و مشکلات عاطفی حل‌نشده قبلی در طلاق عاطفی و اقدام به طلاق زوجین مؤثر بودند. هاشمی و اصغری ابراهیم‌آباد (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافتند که متغیر حل تعارض در رابطه بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی نقش واسطه‌ای دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که زوجین در اثر ضعف سواد عاطفی و ناتوانی در حل تعارض، طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند. مطالعه بارانی، زارعی و فلاح چای (۱۳۹۵) نشان داد که در گروه زنان رضایتمند تنها عزت‌نفس کلی پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای متغیر ساختار قدرت در خانواده است. در حالی که در گروه زنان متقاضی طلاق، بعد عزت‌نفس خانواده پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای متغیر ساختار قدرت در خانواده بود. امانی (۱۳۹۴) نیز ضمن مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده گزارش کردند که تعارضات زناشویی در خانواده‌های زن‌سالار به‌طور معناداری بیشتر از خانواده‌های مردسالار است و تعارضات زناشویی در خانواده‌های مردسالار و مشارکتی تفاوت معناداری ندارد. خاکپور، نظری و زهراکار (۱۳۹۴) در پژوهشی دریافتند بین سازگاری زناشویی و ابعاد ساختار قدرت در خانواده رابطه معنادار وجود دارد و هر سه بعد ساختار قدرت سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین زارعی توپخانه، جان بزرگی و احمدی (۱۳۹۴) نشان دادند بین مقیاس ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده و عملکرد خانواده (عملکرد کلی خانواده، عواطف و حل مسئله) رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ اما بین ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده و مؤلفه نقش، رابطه معنادار به دست نیامد. همچنین، ساختار قدرت (شیوه اعمال قدرت) در خانواده با اقتدار مرد،



حدود ۱۰٪ از واریانس عملکرد خانواده را تبیین کرد؛ بنابراین، اقتدار بیش‌تر مرد در خانواده، عملکرد خانواده را تقویت می‌نماید. میکائیلی، قلی‌زاده و قاسمی نژاد (۱۳۹۴) دریافتند که سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی، شهودی و اجتنابی با سازگاری اجتماعی رابطه معنادار دارد و سبک عقلانی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده سازگاری اجتماعی بود. زهرایی (۱۳۹۳) و زارع (۱۳۹۳) نیز طی پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود گزارش کردند که سبک‌های مختلف تصمیم‌گیری، توانایی پیش‌بینی تعارضات و مشکلات خانوادگی را دارند. زارعی توپخانه، جان‌بزرگی و احمدی محمدآبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی دریافتند که بین ساختار قدرت در خانواده و کارآمدی آن، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و ساختار قدرت در خانواده، ۹/۱ درصد از واریانس عملکرد خانواده را تبیین می‌کند.

همچنان‌که مشاهده می‌شود، پژوهش‌هایی که در مورد سبک تصمیم‌گیری، ساختار قدرت در خانواده و طلاق عاطفی انجام شده است، به یکی از این متغیرها پرداخته و آن‌ها را در رابطه با عوامل دیگر مورد مطالعه قرار داده‌اند و پژوهشی که به رابطه بین این متغیرها به‌طور دقیق پرداخته باشد یافت نشد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت در خانواده، طلاق عاطفی را در زنان شاغل شهر شاهرود پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت همبستگی و از نظر هدف بنیادی است که در آن به پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت در خانواده در زنان شاغل شهر شاهرود پرداخته می‌شود؛ بنابراین، جامعه پژوهش شامل کلیه زنان شاغل شهر شاهرود بود که جامعه آماری با حجم بالا می‌باشد. تعداد نمونه بر اساس جدول رجسی و مورگان ۳۸۴ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، بدین ترتیب که به مراکز دولتی و غیردولتی که زنان شاغل حضور داشتند (مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و...) مراجعه شد و ابزارهای تحقیق بر روی آن‌ها اجرا شد و نتایج تجزیه و تحلیل گردید. ملاحظات اخلاقی تحقیق نظیر محرمانه بودن اطلاعات، رضایت آگاهانه، خستگی آزمودنی‌ها مدنظر قرار گرفت و رعایت شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری عمومی (GDMS)^۱: این پرسشنامه که برای سنجش سبک‌های تصمیم‌گیری استفاده شد توسط اسکات و بروس^۲ (۱۹۹۵) تهیه شده و پنج سبک تصمیم‌گیری منطقی، آنی، اجتنابی، وابستگی و شهودی را با استفاده از ۲۵ گویه بر روی مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای (۱- هرگز، ۲- به ندرت، ۳- گاهی، ۴- بیشتر اوقات و ۵- همیشه) می‌سنجد. برای نمره‌گذاری پرسشنامه نمرات گویه‌های مربوط به هر سبک با یکدیگر جمع می‌شود. پایایی و روایی این پرسشنامه برای اندازه‌گیری سبک‌های تصمیم‌گیری به وسیله مطالعات مختلف بررسی شده و آن را قابل قبول گزارش نموده‌اند (بایوکو، لاقی و دالیسیو^۳، ۲۰۰۹) مقدار پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در پژوهش اسکات و بروس (۱۹۹۵) برای سبک‌های منطقی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی، به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۶، ۰/۹۴ و ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین حیدری و مرزوقی (۱۳۹۱) نیز روایی پرسشنامه مذکور را با استفاده از تحلیل عامل برای سبک‌های منطقی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۸، ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۸۳ محاسبه کردند که این نتایج حاکی از روایی بالای این پرسشنامه می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده^۴: پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده که توسط مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) ساخته شد، دارای ۳۶ سؤال و شامل سه مؤلفه ساخت روابط قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت و حوزه‌ها و قلمرو قدرت است. این پرسشنامه در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (۱- کاملاً مخالف، ۲- مخالف، ۳- بینابین، ۴- موافق، ۵- کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود و نمرات کسب‌شده بین ۳۶ تا ۱۸۰ قرار دارند. روایی سازه پرسشنامه مذکور توسط مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) ۰/۷۹ گزارش شده است. پایایی آزمون نیز به روش باز آزمایی (پس از یک ماه) ۰/۷۰ به دست آمده است (یزدی و حسینی حسین‌آبادی، ۱۳۸۷). این آزمون توسط مؤلفان مورد بازبینی مجدد قرار گرفت که ضریب آلفا ۰/۸۶ به دست آمد. برغم‌دی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود میزان آلفای کرونباخ را برای هر یک از

^۱ General Decision-making Styles Inventory

^۲ Scott & Bruce

^۳ Baiocco, Laghi & D'Alissio

^۴ Power Structure of Family Inventory



زیرمقیاس‌های ساخت روابط قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت و حوزه‌ها و قلمرو قدرت، به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۶۳ و ۰/۸۶ گزارش نمود که نشان از پایایی بالای این پرسشنامه دارد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه طلاق عاطفی: طلاق عاطفی نیز در پژوهش حاضر بر اساس پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن^۱ (۱۹۹۹) سنجیده شد. این پرسشنامه تک عاملی بوده و فاقد مؤلفه می‌باشد و شامل ۲۳ گویه به شکل ۲ گزینه‌ای (بله یا خیر) تنظیم شده است و نحوه نمره‌گذاری آن بدین گونه است که پس از جمع کردن پاسخ‌ها، در صورتی که تعداد جواب‌های مثبت یک آزمودنی برابر هشت و بالاتر باشد، به احتمال زیاد علائمی از طلاق روانی در وی مشهود است. پروین و همکاران (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ را برای پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن ۰/۹۳ گزارش کردند. همچنین موسوی و رحیمی نژاد (۱۳۹۴) پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کردند. روایی صوری این پرسشنامه نیز در این پژوهش با نظر متخصصان تأیید گردید. همچنین آن‌ها برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده کردند و بار عاملی گویه‌های مقیاس نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته، بار عاملی قابل قبولی دارند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

ابتدا به فراوانی و درصد آزمودنی‌ها برحسب جنس، تحصیلات، سن و وضعیت اشتغال پرداخته می‌شود.

¹ Guttman Emotional Divorce Inventory

جدول ۱: فراوانی و درصد افراد گروه نمونه برحسب جنس، تحصیلات، سن و وضعیت اشتغال

متغیر	زیرمتغیرها	فراوانی	درصد
سن	کمتر از ۳۰ سال	۳۸	۹/۹
	۳۰-۴۰ سال	۹۹	۲۵/۸
	۴۱-۵۰ سال	۱۶۱	۴۱/۹
	۵۱-۶۰ سال	۸۶	۲۲/۴
	جمع	۳۸۴	۱۰۰
تحصیلات	دیپلم	۲۳	۶
	فوق دیپلم	۵۰	۱۳
	لیسانس	۱۶۲	۴۲/۲
	فوق لیسانس	۱۴۳	۳۷/۲
	دکتری	۶	۱/۶
جمع	۳۸۴	۱۰۰	
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	۳۹	۱۰/۳
	۵-۱۵ سال	۱۲۳	۳۲
	۱۶-۲۵ سال	۱۳۹	۳۶/۲
	بیش از ۲۵ سال	۸۳	۲۱/۶
	جمع	۳۸۴	۱۰۰

جدول ۱ نشان می‌دهد که از نظر سن، ۹/۹ درصد کمتر از ۳۰ سال، ۲۵/۸ درصد بین ۳۰-۴۰ سال، ۴۱/۹ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۲۲/۴ درصد بین ۵۱-۶۰ سال قرار دارند. همچنین، تحصیلات ۶ درصد دیپلم، ۱۳ درصد فوق دیپلم، ۴۲/۲ درصد لیسانس، ۳۷/۲ درصد فوق لیسانس و ۱/۶ درصد دکتري است. از لحاظ سابقه خدمت، ۱۰/۳ درصد کمتر از ۵ سال، ۳۲ درصد بین ۵-۱۵ سال، ۳۶/۲ درصد بین ۱۶-۲۵ سال و ۲۱/۶ درصد بیش از ۲۵ سال می‌باشند.

جدول ۲ بیانگر میانگین نمرات خرده مقیاس‌های متغیرهای پیش‌بین (ساختار قدرت در خانواده و سبک‌های تصمیم‌گیری) و متغیر ملاک (طلاق عاطفی) و نیز آزمون کالموگراف- اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.



جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و آزمون کالموگراف-اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌ها

متغیر	خرده مقیاس‌های	میانگین	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
ساختار قدرت	ساختار قدرت	۴۱/۷۶	۶/۹۱	۱/۱۹۶	۰/۱۱۵
	اعمال قدرت	۳۵/۵۴	۵/۸۶	۰/۹۳۷	۰/۳۴۳
	قلمرو قدرت	۵۳/۱۲	۷/۱۴	۰/۷۱۵	۰/۶۸۶
	نمره کلی ساختار قدرت	۱۲۸/۱۹	۱۳/۷۴	۱/۱۱۹	۰/۱۶۴
سبک‌های تصمیم‌گیری	سبک تصمیم‌گیری آنی	۲۱/۰۶	۳/۵۷	۱/۱۲۳	۰/۱۶۱
	سبک تصمیم‌گیری اجتنابی	۱۳/۴۸	۲/۵۸	۱/۲۵۶	۰/۰۸۵
	سبک تصمیم‌گیری عقلانی	۱۶/۵۰	۳/۰۰	۰/۷۱۷	۰/۶۸۳
	سبک تصمیم‌گیری شهودی	۱۳/۱۹	۲/۵۲	۰/۹۷۶	۰/۲۹۷
	سبک تصمیم‌گیری وابستگی	۲۲/۳۴	۵/۱۶	۰/۷۱۸	۰/۶۸۱
طلاق عاطفی	طلاق عاطفی	۱۲/۷۰	۵/۲۳	۱/۲۱۷	۰/۱۰۳

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش و زیرمقیاس‌های آن‌ها را نشان می‌دهد. همچنین آزمون کالموگراف اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌ها نشان می‌دهد که داده‌های در مورد تمام متغیرها نرمال است. از رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی متغیر ملاک بر اساس متغیرهای پیش‌بین از تحلیل رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده شده است.

جدول ۳. خلاصه مدل پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های تصمیم‌گیری

مدل	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب تعدیل‌شده	دوربین-واتسون	F مقدار	سطح معناداری
۱	۰/۶۴	۰/۴۱	۰/۴۰	۱/۹۵	۳۲/۷۱	۰/۰۰۰۱

جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب تعیین $0/41$ می‌باشد، بدین معنا که 41 درصد واریانس طلاق عاطفی بر اساس ساختار قدرت در خانواده و سبک‌های تصمیم‌گیری قابل تبیین است. همچنین، ضریب دوربین- واتسون $1/95$ است که چون بین 1 تا 3 قرار دارد نشان‌دهنده مستقل بودن خطاها است. به‌علاوه، با توجه به اینکه F معنادار است ($p \text{ value} < 0/01$ و $F = 32/71$)، می‌توان گفت داده‌ها با مدل رگرسیون متناسب است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های تصمیم‌گیری و ساختار قدرت

تورم	تحمل	سطح معناداری	مقدار t	ضرایب	ضرایب استاندارد نشده		
				استاندارد شده	خطای استاندارد	ضریب b	
		$0/0001$	$-4/22$		$1/997$	$-8/436$	عرض از مبدأ
$2/22$	$0/45$	$0/03$	$2/23$	$0/132$	$0/086$	$0/193$	تصمیم‌گیری آنی
$1/28$	$0/78$	$0/003$	$3/002$	$0/135$	$0/091$	$0/274$	تصمیم‌گیری اجتنابی
$1/30$	$0/77$	$0/46$	$-0/738$	$-0/033$	$0/079$	$-0/058$	تصمیم‌گیری عقلانی
$1/49$	$0/67$	$0/005$	$2/84$	$0/138$	$0/100$	$0/285$	تصمیم‌گیری شهودی
$1/17$	$0/86$	$0/15$	$1/45$	$0/062$	$0/043$	$0/063$	تصمیم‌گیری وابستگی
$3/20$	$0/31$	$0/0001$	$8/44$	$0/598$	$0/054$	$0/453$	ساختار قدرت
$3/08$	$0/32$	$0/13$	$-1/52$	$-0/105$	$0/062$	$-0/094$	اعمال قدرت
$1/89$	$0/53$	$0/0001$	$4/29$	$0/234$	$0/040$	$0/171$	قلمرو قدرت

جدول ۳ نشان می‌دهد که سبک تصمیم‌گیری آنی، اجتنابی و شهودی و نیز ساختار قدرت و قلمرو قدرت در پیش‌بینی طلاق عاطفی نقش معنادار دارد و سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی و وابستگی و نیز اعمال قدرت نقش معنادار ندارد.



بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های تصمیم‌گیری، آنی، اجتنابی و شهودی قادر به پیش‌بینی طلاق عاطفی هستند. پژوهشی که در گذشته به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد، اما یافته‌های این پژوهش به‌طور تلویحی با نتایج پژوهش‌های رئیسی و همکاران (۱۳۹۷)، میکائیلی و همکاران (۱۳۹۴)، زهرایی (۱۳۹۳) و زارع (۱۳۹۳) همخوان بود.

با توجه به این نتایج مشخص می‌گردد که بین سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی با طلاق عاطفی رابطه‌ای وجود ندارد. شاید این نتیجه به این دلیل باشد که جامعه پژوهش زنان هستند و زنان بیشتر از سبک‌های عاطفی تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند تا سبک عقلانی. به‌علاوه، شاید عوامل دیگری نظیر ویژگی‌های شخصیتی بین این دو میانجی‌گری کرده و اثر این سبک تصمیم‌گیری را خنثی کرده باشند. برای مثال افراد عقلانی ممکن است محاسبه‌گر تر بوده و در روابط به سود و زیان توجه بیشتری داشته باشند و این امر رابطه سبک تصمیم‌گیری عقلانی و طلاق عاطفی را تحت تأثیر قرار داده باشد. به‌طورکلی، باید در نظر داشت که افراد با سبک تصمیم‌گیری عقلانی، تمایل دارند تا تمامی راهکارهای ممکن را شناسایی نمایند، هر راهکار را از تمامی جنبه‌های مختلف ارزیابی نمایند و در نهایت انتخاب راهکار بهینه و مطلوب را در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری اتخاذ نمایند. به عبارتی در این سبک تصمیم‌گیری مسئله رخ داده به‌طور دقیق قابل تعریف بوده و فرد تصمیم‌گیرنده از یک فرایند ثابت و کاملاً مشخص جهت انتخاب و اجرای بهترین راه‌حل و دست‌یابی به اهداف پیروی می‌کند (لیتل^۱، باکوم^۲ و هامبی^۳، ۲۰۱۱). افرادی که از سبک تصمیم‌گیری عقلایی برخوردارند تصمیمات خود را بر اساس جستجو و تجزیه و تحلیل کامل و همه‌جانبه تمامی اطلاعات موجود هم از منابع درونی و هم از منابع بیرونی قرار می‌دهند (ویوز^۴، ۲۰۱۰)؛ لذا با توجه به این‌که چنین تصمیم‌گیری کاملاً عاقلانه و منطبق بر سنجش تمامی شرایط می‌باشد.

سبک تصمیم‌گیری شهودی، بر اساس نوعی شم و فراست درونی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر فرد تصمیم‌گیرنده مطابق آنچه خود تشخیص می‌دهد صحیح است، تصمیم می‌گیرد. درواقع این

¹ Little

² Baucom

³ Hamby

⁴ Vives

سبک تصمیم‌گیری، فرآیندی ناخودآگاه است که در سایه تجربه‌های استنتاج شده به دست می‌آید. در این شیوه تصمیم‌گیری فرد تصمیم‌گیرنده منطق روشنی در رابطه با درست بودن تصمیم خود ندارد، بلکه با تکیه بر بینش و فراست درونی خود آن چیزی را که فکر می‌کند درست است انجام می‌دهد (ناکونزنی^۱ و دنتون^۲، ۲۰۱۰). لذا ممکن است تصمیمی را که فرد اتخاذ می‌نماید، کاملاً صحیح نباشد؛ زیرا تصمیم وی تنها منطبق بر درک و شهود درونی خود اوست نه بر اساس در نظرگیری تمامی جوانب و شواهد؛ بنابراین احتمال خطا در این نوع تصمیم‌گیری بسیار بالاست و می‌تواند منجر به رابطه عاطفی ضعیف می‌گردد. افراد دارای سبک شهودی ممکن است بر مبنای اطلاعات غلط تصمیم بگیرند و این خود باعث طلاق عاطفی شود. همچنین، این افراد ممکن است در مواردی به ظن و گمان متوسل شده و این باعث تخریب رابطه با همسر می‌شود.

افراد با سبک تصمیم‌گیری وابسته، در هنگام مواجه شدن با یک مشکل یا فرصت نیازمند این هستند که حتماً فردی در کنار آن‌ها باشد تا کاملاً مطابق گفته‌های او عمل کنند که این نوع تصمیم‌گیری کاملاً متکی و وابسته به دیدگاه‌های سایرین می‌باشد (هادی زاده مقدم و طهرانی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر این سبک با طلاق عاطفی رابطه ندارد. علت این امر می‌تواند به این دلیل باشد که افراد دارای سبک وابسته ممکن است به دلیل وابستگی به همسر رابطه خود را با وی حفظ کرده و کمتر به طلاق عاطفی بینجامد. در این مورد نیز ممکن است عوامل میانجی دخیل باشند. برای مثال زمانی که همسر، فردی سلطه‌گر است از وابستگی دیگران نظیر همسر لذت می‌برد و این امر باعث می‌شود که رابطه مستحکم‌تر شود. لذا ممکن است این سبک با طلاق عاطفی رابطه‌ای نداشته باشد.

در سبک تصمیم‌گیری آنی فرد در لحظه تصمیم می‌گیرد و لذا احتمال بروز خطا و اشتباه در آن بسیار زیاد است؛ زیرا تصمیماتی که در لحظه اتخاذ می‌گردند، همه جوانب را در نظر نگرفته و به احتمال زیاد با خطا و اشتباه همراه می‌باشد. بدین ترتیب چنین فردی ممکن است به عارضه‌ای همچون «دهان‌بینی» مبتلا شود که به شدت بر روابط وی با همسر و تصمیمات وی تأثیر

¹ Nakonezny

² Denton



می‌گذارد. افراد دارای سبک تصمیم‌گیری آنی ممکن است تکانشی باشند و سطح تکانشوری بالا رفتارهایی را در آن‌ها ایجاد نماید به روابط با همسر لطمه بزند و طلاق عاطفی را ایجاد نماید. در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی می‌باشد که در این سبک فرد تلاش می‌نماید تا از تصمیم‌گیری در مورد مسائل اجتناب نماید (تان هولم^۱، ۲۰۰۴). اجتناب از تصمیم می‌تواند به نگرفتن تصمیم‌های درست بینجامد و این امر روابط با دیگران و از جمله همسر را تحت تأثیر قرار دهد و به طلاق عاطفی بینجامد. همچنین، افراد دارای سبک اجتنابی ممکن است از حل مسائل اجتناب کنند و لذا مسائل حل‌نشده بسیاری در زندگی آن‌ها و روابطشان با همسر وجود دارد و این امر ممکن است منجر به طلاق عاطفی گردد.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر آشکار ساخت که ساختار قدرت و قلمرو قدرت، توانایی پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند. در این مورد نیز پژوهشی که در گذشته به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد، اما یافته‌های این پژوهش به‌طور تلویحی با نتایج پژوهش‌های رضایی و همکاران (۱۳۹۶)، هاشمی و اصغری ابراهیم‌آباد (۱۳۹۵)، بارانی و همکاران (۱۳۹۵)، امانی (۱۳۹۴)، خاکپور و همکاران (۱۳۹۴)، زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۴) و زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۲) همخوان بود.

در تبیین این نتایج بار دیگر باید به نظریه‌های این حوزه مراجعه کرد. جی هیلی^۲ معتقد است که وجود سلسله‌مراتب اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا هر تشکلی ماهیتاً سلسله‌مراتبی است و قواعد مربوط به اینکه چه کسی در جایگاه اولیه قدرت و چه کسی در جایگاه ثانویه باشد، باید مشخص شود. او معتقد است وقتی ترتیب سلسله‌مراتب در سازمان خانواده به هم می‌خورد یا ابهامی در آن ایجاد می‌شود، کشمکش در میان زوجین بروز می‌کند (زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۲) که ممکن است به طلاق عاطفی آن‌ها منجر شود.

بر اساس نظریه جامعه‌پذیری، موضوع جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی در خانواده مطرح است. شیوه‌های متفاوت تربیت کودکان دختر و پسر و انتظارات، نگرش‌ها، وظایف و برتری‌هایی که جامعه به هر جنس نسبت می‌دهد، موجب شکل‌گیری نقش‌های درونی متفاوت بین آنان می‌شود. در جوامعی نظیر ایران که هنوز بخش زیادی از آن در سنت‌های دیرینه ریشه دارد،

¹ Thunholm

² Jee-Hillie

معمولاً از زنان، تصویری مطیع، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌کنند. در نتیجه جامعه‌پذیری عاملی است که نگرش افراد را درباره رفتار زناشویی تحت تأثیر قرار می‌دهد (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین چنین تصوراتی از مطیع بودن زنان و مستقل بودن مردان به همراه کودکانی که در این سنت بزرگ شده‌اند به خانه پس از ازدواج آن‌ها انتقال می‌یابد. چنین انتقالی باعث می‌شود که این افراد در خانه خویش در برابر تغییر الگوهای گذشته زندگی مقاومت کنند و احتمالاً همین امر موجب بروز تعارضات گوناگون بین زوجین می‌شود که همگی زمینه‌ساز بروز طلاق عاطفی می‌باشند.

طبق نظریه تبادل اجتماعی یکی از کارکردهای خانواده این است که اعضای آن ضمن ارضای نیازهای روان‌شناختی خود مانند میل به پیوندجویی و نیاز به قدرت در تعاملات خود به مبادله سود و زیان دست می‌زنند (رابینز، ۱۳۸۵). طبق این نظریه به نظر می‌رسد در خانواده‌هایی که دارای ساختار توزیع قدرت مشترک است، زن و شوهر هر یک در راستای ارضای نیاز به قدرت و میل به پیوندجویی به تعادل می‌رسند که این موضوع می‌تواند فاصله میان زوجین را کاهش داده و در نتیجه از بروز مسائلی همچون طلاق عاطفی جلوگیری نماید.

به‌علاوه با توجه به اینکه این زنان شاغل و به‌تبع آن مستقل هستند ممکن است ساختار قدرت در خانواده را تغییر دهند. زنان شاغل به‌طور ناخواسته قدرت بیشتری به دست می‌آورند و با توجه به سنتی بودن جامعه ایران ممکن است این موضوع با عقاید مرسوم جامعه و بخصوص باورهای مردان در مورد زن و زندگی مشترک ناهمخوان باشد و این امر باعث ایجاد تعارضات زناشویی و در نهایت طلاق عاطفی شود. علاوه بر این، در وضعیت کنونی جامعه بخصوص در شهرهای بزرگ امکانات و فرصت‌های بیشتری برای تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی زنان فراهم شده است. در چنین وضعیتی چنانچه زنان نتوانند بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی خود تعادل ایجاد کنند، ممکن است تداخل نقش‌ها پیش بیاید و ساختار قدرت در خانواده را تغییر داده و افراد را به سمت طلاق عاطفی سوق دهد.

یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، نشان داد که بین سبک‌های تصمیم‌گیری و همچنین ساختار قدرت در خانواده با طلاق عاطفی در زنان شاغل شهر شاهرود، رابطه معناداری وجود دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد به کمک متخصصین و روانشناسان شخصیت، آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری برای زنان شاغل شهر شاهرود صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد باورهای



فرهنگی در مورد ساختار قدرت در خانواده از طریق رسانه‌ها اصلاح گردد تا به کاهش طلاق عاطفی کمک نماید.

از جمله محدودیت‌هایی پژوهش حاضر با آن مواجه بود، تأثیر متغیرهای تأثیرگذار و غیرقابل‌کنترل نظیر وضعیت روان‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی و نیز عدم امکان انتخاب تصادفی گروه نمونه بود. از کلیه زنان شاغل شهر شاهرود که با این پژوهش همکاری داشتند سپاسگزاری می‌شود.

منابع

۱. اعزازی، شهلا. (۱۳۸۹). جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران.
۲. اکبری، مهرداد. رازع، حسین. (۱۳۹۱). پیش بینی رفتارهای مخاطره آمیز در نوجوانان و ارتباط آن با هیجان طلبی و سبک های تصمیم گیری. پژوهش در سلامت روانشناختی، ۶(۱): ۶۵-۵۷.
۳. اسپری، لن. کارلسون، جان. لوئیس، جودیت. (۱۳۷۸). خانواده درمانی (تضمین درمان کارآمد). مترجم نوایی نژاد، شکوه. تهران: انتشارات سازمان اولیا و مربیان.
۴. امانی، رزیتا. (۱۳۹۴). مقایسه تعارض زناشویی در ساختار توزیع قدرت در خانواده. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۲): ۵۲-۴۱.
۵. بارانی، مطهره. زارعی، اقبال. فلاح چای، سید رضا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عزت نفس و ساختار قدرت خانواده در میان زنان رضایت مند و متقاضی طلاق شهر بندرعباس. زن و مطالعات خانواده، ۸(۳۱): ۳۷-۲۳.
۶. برغمدي، صغري. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و سلامت روان زوج ها در سبزوار. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۷. پروین، ستار، داوود، مریم. محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۴(۵۶): ۱۱۹-۱۵۳.
۸. تابش، فهیمه. زارعی، حسین. (۱۳۹۰). تاثیر آموزش مهارت های هوش هیجانی بر سبک های تصمیم گیری عقلایی، شهودی، اجتنابی، وابسته و آبی. مجله علوم رفتاری، ۶(۴): ۳۲۹-۳۲۳.
۹. حیدری، الهام. مرزوقی، رحمت اله. (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه سبک های عمومی تصمیم گیری در مدیران دانشگاه (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز). رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳(۴): ۸۴-۶۷.
۱۰. خاکپور، ایمان. نظری، علی محمد. زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۴). نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۹(۳۰): ۲۶-۷.
۱۱. رابینز، استیفن. (۱۳۸۵). رفتار سازمانی، مفاهیم، نظریه ها و کاربرد ها: گروه، جلد دوم. ترجمه پارسائیان، علی و اعرابی، محمد. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی. (انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۶).
۱۲. رضایی، علی محمد. میرزاده کوهشاهی، فرشته. یعقوبی ترکی، الهام. (۱۳۹۶). تعاملات عاطفی زوجین و نقش آن در طلاق عاطفی و اقدام به طلاق: یک پژوهش کیفی. خانواده پژوهی ۱۳(۴)، پیاپی، ۵۲: ۵۸۵-۶۰۴.
۱۳. رئیس، سیدجمال. محمدی، کوروش. زارعی، اقبال. نجاریوریان، سمانه. (۱۳۹۷). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار و رویکرد تصمیم گیری مجدد بر تغییر سبک های ارتباطی در زنان متأهل. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، ۲۰(۱)، پیاپی، ۶۵: ۷۰-۶۴.



۱۴. زارع، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی سبک‌های تصمیم‌گیری و تنظیم شناختی هیجان با تعارضات زناشویی مراجعان مراکز مشاوره شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مرو دشت، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۵. زارعی توپخانه، محمد، جان بزرگی، مسعود. احمدی محمدآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن. روانشناسی و دین، ۶(۳): ۷۰-۵۳.
۱۶. زارعی توپخانه، محمد. جان بزرگی، مسعود. احمدی محمدآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۴). رابطه بین ساختار قدرت مرد مقتدر در خانواده با عملکرد خانواده. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۴۲): ۲۴-۷.
۱۷. زهرایی، ناهید. (۱۳۹۳). پیش‌بینی حل مشکل خانواده بر اساس سبک‌های حل مسأله و سبک‌های تصمیم‌گیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مرو دشت، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۸. ساروخانی، باقر. گودرزی، ثریا. (۱۳۸۸). اثرات اشتغال زنان بر خانواده (تحقیقی در بین زنان شاغل و متأهل وزارت کار و امور اجتماعی). مجله جامعه‌شناسی معاصر، ۲(۱): ۷۸-۵۱.
۱۹. صفاری نیا، مجید، محمدی، رقیه. حسن زاده پشنگ، سمیرا. (۱۳۹۴). سبک‌های تصمیم‌گیری و ذهن آگاهی و ذهن‌خوانی: مطالعه ارتباط این سازه‌ها در یک گروه غیر بالینی. دو فصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی، ۵(۱): ۱۳۳-۱۱۸.
۲۰. قندهاری، پردیس. حسن زاده، علی رضا. (۱۳۸۲). زن و قدرت: بررسی مردم‌شناختی عرصه‌ها و مصادیق قدرت در چند خانواده تهرانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور، مرکز مردم‌شناسی.
۲۱. کریمیان، نرگس. (۱۳۹۱). رابطه حل مسأله اجتماعی و شادی: بررسی نقش واسطه‌گری سبک‌های تصمیم‌گیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۲۲. کلاتری، عبدالحسین. روشنفکر، پیام. جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق: مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۷۶-۱۳۹۰). زن در توسعه و سیاست، ۹(۳): ۱۱۳-۱۱۱.
۲۳. لعل زاده کندکلی، انسیه. اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد. حصارسرخ، ربابه. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. روان‌شناسی بالینی، ۷(۲): ۱۹-۹.
۲۴. کریم منصوریان، سید محمد. فخرایی، سیروس. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده شهر شیراز. مجله علمی-پژوهشی تحقیقات زنان، ۲(۱): ۱۱۳-۷۵.
۲۵. مهدوی، محمدصادق. صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱(۲): ۶۵-۲۵.
۲۶. موسوی، سیده فاطمه و رحیمی نژاد، عباس. (۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۶(۱): ۲۳-۱۱.

۲۷. میکایلی، نیلوفر. قلی زاد، معصومه. قاسمی نژاد، محمدعلی. (۱۳۹۴). ارتباط تفاوت های فردی در سبک های تصمیم گیری با سازگاری اجتماعی دانشجویان. شخصیت و تفاوت های فردی، ۴(۸): ۱۳۸-۱۲۵.
۲۸. هادی زاده مقدم، اکرم. طهرانی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک های عمومی تصمیم گیری مدیران در سازمان های دولتی. مدیریت دولتی، ۱(۱): ۱۳۸-۱۲۳.
۲۹. هاشمی، سیده فاطمه. اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد. (۱۳۹۱). نقش سواد عاطفی در پیشبینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض. فصلنامه آموزش، مشاوره و روان درمانی، ۱(۱۷): ۷۲-۵۹.
۳۰. یزدی، سیدمنور. حسینی حسین آبادی، فاطمه. (۱۳۸۷). رابطه ساختار قدرت در خانواده با هوش هیجانی زنان. مطالعات جوانان، ۱۲(۲): ۱۷۰-۱۵۷.

منابع انگلیسی

1. Akbari, M., & Zare, H. (2012). Prediction of risky behavior in adolescence and its relationship with sensation seeking and decision-making styles. *Journal of Research in Psychological Health*, 6 (1), 57-65. (Text in Persian)
2. Amani, R. (2015). Comparison of marital conflict in power distribution structure in the family. *Educational - Women's Quarterly Journal*, 10(32), 41-52. (Text in Persian)
3. Appelt, K.C., Milch, K. F., Handgraaf, M. J. J. & Weber, E. U. (2011). The decision-making individual differences inventory and guidelines for the study of individual differences in judgment and decision-making research. *Judgment and Decision Making*, 6(3), 252-262.
4. Aazazi, S. (2010). Family sociology emphasizes the role, function and function of the family in the contemporary era. Tehran: Roshangaran. (Text in Persian)
5. Baiocco, R., Laghi, F., & D'Alissio, M. (2009). Decision making style among adolescents: Relationship with sensation seeking and locus of control. *Journal of adolescence*, 32(4), 963-976. (Text in Persian)
6. Barani, M., Zarei, I., Fallah Chai, S. R., (2016). The Relationship between self-esteem and family strength structure among satisfied and divorced women in Bandar Abbas. *Woman and Family Studies*, 8(31), 23-37. (Text in Persian)
7. Barghamadi, S. (2008). Study of relationship between family strength structure and mental health of couples in Sabzevar city (Master thesis, Kharazmi University, Tehran, Iran). Retrieved from.....
1. . MA Thesis of Kharazmi university, Educational Sciences and Psychology Faculty Tehran. (Text in Persian)
8. Ellison, C. G., Walker, A. B., Glenn, N. D., & Marquardt, E. (2011). The effects of parental marital discord and divorce on the religious and spiritual lives of young adults. *Social Science Research*, 40(2), 538-551.
2. 9. Fulop, J., David, R. & Schwiek, C. (2006). "What is decision-making", Making in the content of eco-informatics. *Journal of Behavioral Sciences*, 3(2), 204-215.
9. Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. New York: Norton & Company.



10. Hadizadeh Moghadam, A., Tehrani, M., & Amin, F. (2011). Study of the relationship between emotional intelligence and management decision-making styles. *World Applied Science Journal*, 12(7), 1017-1025.
11. Hadizadeh Moghaddam, A. & Tehrani, M. (2008). Investigating the relationship between general managers' decision-making styles in government organizations. *Public Administration*, 1(1), 123-138. (Text in Persian)
12. Hashemi, S. F., & Asghari Ebrahimabad, M. J. (2012). Role of emotional literacy in predicting emotional divorce by mediatory conflict solving. *Instruction, counseling and Psychotherapy Quarterly*, 1(17), 59-72. (Text in Persian)
13. Heydari, E. & Marzouqi, R. (2012). A comparison of general decision-making styles in university managers (case study: Shiraz university). *New Approach in Educational Management*, 3(4), 67-84. (Text in Persian)
14. Kalantari, A., Roshanfekr, P., & Javaheri, J. (2011). Consequences of divorce: A systematic review of current literature with an emphasis on gender-related issues (1997-2011). *Woman in Development and Policy*, 9(3), 111-113. (Text in Persian)
15. Karimian, N. (2012). Relationship social problem-solving and happiness: Study of mediator role of decision-making styles (Master thesis, Shiraz University, Shiraz, Iran). Retrieved from.....
3. MA thesis of Shiraz University, Shiraz faculty of Educational Sciences and Psychology. (Text in Persian)
16. Karim Mansourian, S. M., & Fakhraei, S. (2008). Sociological analysis of spouse conflicts in families of Shiraz. *Journal of Gynecology Research (Journal of Gynecology)*, 2(1), 75-113. (Text in Persian)
17. Khakpur, I., Nazari, A. M., & Zaharakar, K. (2015). The role of family power structure dimensions in marital adjustment. *Educational Journal of Women and Family*, 9(30), 7-26. (Text in Persian)
18. Lalzadeh, E., Asgari Ebrahimabad, M. J., & Hesar Sorkhi, R. (2015). The investigation of role of early maladaptive schemas in predicting emotional divorce. *Journal of Clinical Psychology*, 7(2), 9-19. (Text in Persian)
19. Little, B. G., Baucom, D. H., & Hamby, S. H. (2011). Marital power, marital adjustment, and therapy outcome. *Journal of Family Psychology*, 10(3), 292-303.
20. Mahdavi, M. S., & Sabouri Khosrowshahi, H. (2003). The Structure of power distribution within the Family. *Social Psychological Studies in Women*, 1 (2), 25-65. (Text in Persian)
21. Mikaili, N., Gholizad, M., & Ghaseminejad, M. A. (2015). The relationship between individual differences in decision making styles with social adjustment of students. *Personality and Individual Differences*, 4(8), 125-138. (Text in Persian)
22. Mousavi, S. F., & Rahiminezhad, A. (2015). The comparison of interpersonal identity statuses in married people with regards to emotional divorce. *Applied Psychological Research Quarterly*, 6(1), 11-23. (Text in Persian)
23. Mousavi, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (2011). The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1(2), 89-93.

24. Nakonezny, P. A., & Denton, W. H. (2010). Marital relationships: A social exchange theory perspective. *The American Journal of Family Therapy*, 36(5), 402-412.
25. Parvin, S., Davoodi, M., & Mohammadi, F. (2011). The sociological factors affecting emotional divorce among Tehranian families. *Journal of Social and Cultural Council of Women and Family*, 14(56), 119-153. (Text in Persian)
26. Phillips, S. D., Paziienza, N. Y. & Ferrin, H. H. (1984). Decision making styles and problem solving appraisal. *Journal of Counseling Psychology*, 31(4), 497-502.
27. Portes, P. R., Smith, T. L., & Brown, J. H. (2000). The divorce adjustment inventory revised: Validation of a parental report concerning children's post-custody adjustment. *Journal of Divorce & Remarriage*, 33(3-4), 93-109.
28. Qandhari, P. & Hassanzade, A. R. (2003). Women and power: An anthropological study of the fields and instances of power in several Tehranian Families. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, National Heritage Organization, Center for Anthropology. (Text in Persian)
29. Raisi, S. J., Mohammadi, K., Zarei, E., & Najarpouriyan, S. (2018). Effectiveness of emotionally coupled therapy and redecision therapy on changing of marital communication skills in married women. *Journal of Gorgan university of Medical Sciences*, 20(1), 64-70. (Text in Persian)
30. Rezaei, A. M., Mirzadeh Kouhshahi, F., & Yaghoubi Taraki, E. (2018). Couples' emotional interactions and it's role in emotional divorce and initiating for divorce: A qualitative study. *Journal of Family Research*, 13(4), 585-604. (Text in Persian)
31. Robbins, S. P. (2006). *Organizational behavior: Concepts, theories, and applications: Group (Volume 2)*. Translators Arabi, Seyed Mohammad. & Parsayian, Ali. Tehran: Bureau of Cultural Research. (Translated text in Persian)
32. Rowe, A. J., & Mason, R. O. (1987). *Managing with style: A guide to understanding, assessing, and improving decision making*. San Francisco: Jossey-Bass.
33. Saffarinia, M., Mohammadi, R., & Hasanzade Pashang, S. (2017). Decision making styles, and mindfulness, and mind reading: The study of these structures relationship in a non-clinical group. *Social Cognition*, 5(2), 118-133. (Text in Persian)
34. Sarokhani, B. & Goodarzi, S. (2009). The impact of women's employment on the Family (A study of married and working women in the ministry of labor and social affairs). *Journal of Contemporary Sociology*, 2(1), 51-78. (Text in Persian)
35. Scott, S. G. & Bruce, R. A. (1995). Decision-making style: the development and assessment of a new measure. *Educational and Psychological Measures*, 55(5), 818-831.
36. Singh, R. & Greenhouse, J. H. (2004). The relation between career decision-making strategies and person-job fit: A study of job changers. *Journal of Vocational Behavior*, 64(1), 198-221.
37. Spray, L., Carlson, J. & Lewis, J. (1999). *Family therapy: Ensuring effective treatment*. Translator Navabinejad, S. Tehran: Association of Parents and Educators. (Translated text in Persian)



38. Tabesh, F. & Zare, H. (2013). The effect of training emotional intelligence on rational, intuitive, avoidant, dependent and spontaneous decision- making styles. *Journal of Behavioral Sciences*, 6(4), 323-329. (Text in Persian)
39. Thunholm, P. (2004). Decision making style: Habit, style, or both. *Personality and Individual Differences*, 36(4), 931-944.
40. Vives-Cases, C., Gil-González, D., & Carrasco-Portiño, M. (2009). Verbal marital conflict and male domination in the family as risk factors of intimate partner violence. *Trauma, Violence, & Abuse*, 10(2), 171-180.
41. Weber, E. U., & Johnson, E. J. (2009). Mindful judgment and decision making. *Annual Review of Psychology*, 60, 53-85.
42. Yazdi, S. M., & Hosseini Hosseinabad, F. (2008). The relationship of power structure in Family with emotional intelligence of women. *Youth Studies*, 12(2), 157-170. (Text in Persian)
43. Zahraei, N. (2014). Predict family problem solving based on problem solving styles and decision making styles (Master thesis, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran). Retrieved from....
4. MA thesis of Islamic Azad University, Marvdasht branch, faculty of Educational Sciences and Psychology. (Text in Persian)
44. Zare, Z. (2014). Evaluation of decision making and cognitive emotion regulation Styles with marital conflicts in Shiraz counseling centers (Master thesis, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran). Retrieved from.....
5. MA thesis of Islamic Azad University, Marvdasht branch, faculty of Educational Sciences and Psychology. (Text in Persian)
45. Zarei Toopkhane, M., Janbozorgi, M., & Ahmadi Mohammadabadi, M. R. (2013). The relationship between power structure in the family and its efficiency. *Psychology and Religion*, 6(3), 53-70. (Text in Persian)



with training decision- making styles and improvement structure of the family can help reducing emotional divorce among employed women in Shahrood city.

Key word: decision- making styles, power structure in family, emotional divorce



Predicting Emotional Divorce Based on Decision- making Styles and Power Structure in the Family among Employed Women

Ali Hosseinaei¹

Muhammad Kaviani²

Abstract

The aim of current study was to predict predicting emotional divorce based on decision- making styles and power structure of in the family among employed women of the in Shahrood city. In this descriptive-correlational study, all employed women in Shahrood city were considered as statistical population and from among them 384 people were considered as statistical sample using Morgan table and also available convenience sampling. Data were collected using standard questionnaires of decision -making styles of Scott and Bruce Inventory, Power Structure of Mahdavi and Khosroshahi Inventory, as well as Gottman's Emotional Divorce Inventory. After collecting questionnaires, data was analyzed using by regression tests. The results of this study showed that the decision- making styles and power structure of the family explain 41 percent of variance. Spontaneousness, Avoidance, and intuitive decision- making styles have positive and significant role in predicting emotional divorce and while rational and dependent decision- making style did not show any effect. In addition, the outcomes findings revealed that building power relations the sturcure of power relations along with the domains and scope of power exercising have significant role in predicting emotional divorce andwhile method of exercising power exercising did not. So As decision- making styles and power structres in families can predict the emotional divorce, the reduction of emotional divorce among employed women in Shahrood can be achieved by educating them on decision-making styles and improvement of power structure in families.

¹ Associate Professor of Psychology, Azadshahr branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Golestan, Iran; a.hosseinaei@gmail.com

² MA in Psychology, Department of Psychology and Educational Sciences, Azadshahr branch, Islamic Azad University, muhamad.kaviani@gmail.com